**مصاحبه با NUHPrivate15082018**

**تاریخ 15 اوگست 2018**

**مصاحبه در محل تولید**

ک: معرفی مختصر

NUHPrivate15082018: اسم مه {نام مصاحبه دهنده} مسول فابریکه ی لوازم تشناب [نام شرکت] ما در سال 2017 شرکت ره تأسیس کردیم. قبل از او در پاکستان در لاهور کار می کردیم. همین کارهای لوازم تشناب ره می کردیم. در 2017 همین فابریکه ره منتقل کردیم به افغانستان.

ک: پس تمامی فابرکه ره منتقل ساختید از پاکستان به اینجه؟

NUHPrivate15082018: بله ها. اونجه در پاکستان بسیار کم فعالیت داشتیم. باز وقتی که افغانستان آمدیم فابریکه ی ما چند مرحله داره، مرحله ی ریخت است، مرحله ی خرادی است؛ سوم مرحله ی پالش [Polish] اس، چهارمش نکل اس و پنجم بسته بندی. به خاطری که در لاهور فابریکه ها زیاد بود ما تنها بسته بندی اش ره می کردیم. دیگر کارهایشه در دیگر فابریکه های خُرد و کوچک می کردیم. باز وقتی که افغانستان آمدیم، اینجه نمیشد، دیگر فابریکه ها در پهلوی ما نبود مجبور شدیم که کل کارهای ره خود ما بکنیم. اینجه همو پنج مرحله اش ره خود ما می کنیم.

ک: شرکت چی تعداد کارگر داره؟

NUHPrivate15082018: فعلا پیش ما اینجا 250 نفر کارگر اس. 150 نفر در شفت روز کار می کنه، 100 نفر ده شفت شو [شب]. باز سه ماه زمستان که جنوری، فبروری و از نیمه های دسمبر شروع میشه، از پانزده ی دسمبر تا پانزده ی مارچه ره، باز 150 نفر همراه ما کار می کنه. در زمستان شفت شب نداریم به خاطری که هوا سرد باشه، تقاضای مارکیت آن قدر نمیباشه. فعلا 250 نفر کارگر داریم.

ک: طرز استخدامشان چی رقم اس؟ از اول ماه اینها معاش می گیرند، آخر ماه معاش می گیرند؟ قرارداد بسته می کنید؟

NUHPrivate15082018: بله قرارداد بسته می کنیم و آخر هر ماه به کارگر معاش میتیم. دیگر اکثر کارهای ما قرارداد واری اس. به اجاره. هر بخش ره همو چند نفری که آمده برایشان تریننگ دادیم باز برایشان به اجاره داده ایم. اکثر بخش های ما به اجاره اس. کارگر ما هم همو بخش کار ره اجاره میتیم باز 10، 15 یا 20 نفر یک تیم جور میشه باز همو پیسه ره پنج شنبه ده پنج شنبه می گیرند و بین خود تقسیم می کنند.

ک: شما پس به اجاره دار میتین پیسه ره؟

NUHPrivate15082018: بله ها.

ک: اجاره دار باز پیسه ی بیشتر از دیگرها می گیره یا مساوی می گیره؟

NUHPrivate15082018: مساوی تقسیم می کنند. همو یک 10 نفر یا 12 نفر تیم تیم جور میشن باز اینها بین خود تفاهم می کنن که ما این ره اجاره می گیریم. همین کار اجاره و کل شرایطش معلوم اس. باز به همو که اجاره دادیم، ما همو پنج شنبه پول خوده که گرفت او ره بین خود مساویانه تقسیم می کنه.

ک: کدام قرارداد همراه این اجاره دار امضا می کنید؟ در قسمتی این که مثلا فلان نفر کارگر این شرکت اس؟

NUHPrivate15082018: بله ها. ما وقتی که یک کارمند پیش ما نو بیایه ما ابتدایی یک تریننگ برایش میتیم تا شش ماه ره نمی فهمه [به درستی کار ره بلد نمیشه] به خاطری که این کار نو اس ده افغانستان. وقتی که شش ماه بعد کار ره فهمید بعد از او باز اینها تفاهم می کنند. کس های که نو می آیند اینها یک تیم [بین خود] جور می کنند. می بینند که ما چهار، پنج یا چندین تیم دیگر داریم که [کار برایشان] به اجاره داده میشه. آنها وقتی که نو می آیند معاش شان بسیار کم می باشه خو به این ذهنیت خوده جور می کنن که ما باید کار ره یاد بگیریم که باز اجاره بگیریم. وقتی که به اجاره بگیرند باز معاش زیاد برایشان داده میشه.

ک: تولیدات شرکت به چگونه اس، مستقیم با دست اس که هیچ ماشینی دخیل نیس یا این که ماشین آلات جدا جدا ماندگی اس و همراه دست انسان به کار می افته؟

NUHPrivate15082018: برایتان گفته میتانم که کاملا به دست انسان جور میشه. ماشین اس خو هر ماشین یک نفر کار داره که نفر او ره باید به کار بیاندازه. دیگه این کارهای لوازم تشناب که اس این در کل دنیا زیادترین کارگر ره لازم داره.

ک: برای تولید برنامه ی تولیدی موجود است؟ تقسیم اوقات یا پلان تولیدی تان چی رقم است؟

NUHPrivate15082018: از ما خو دو پلان داریم. یکی برای زمستان اس و دیگر به تابستان. در زمستان به خاطری که کارهای ساختمانی متوقف میشه، بسیار کم مواد تولید میشه. ما همو چیزهای خُرد و ریزه مثل نت و بولت و تولیدات فرعی که برای تولید اصلی ما کار می آیه، ما همو ره به مقدارِ زیاد تولید می کنیم که باز در وقت تابستان که شد در کارهای خُرد و ریزه مصروف نشویم. در زمستان ما در 24 ساعت به 250 تشناب وسایلش ره ما مکمل تهیه می توانیم. و در تابستان ما باز به 500 تشناب. همی حالی ما در دو شفت، 24 ساعت، ما به 500 تشناب مکمل لوازم میتوانیم بتیم.

ک: باز به همین ظرفیت تولید می کنید همی حالی؟

NUHPrivate15082018: فعلا ما در 24 ساعت 500 ست [toilette set] ره تولید می کنیم. اگر ما تولید ما 5000 هزار هم باشه روزانه فروخته میشه به خاطری که در افغانستان دیگه از این فابریکه نیست و تقاضا بسیار زیاد است و ساخت و ساز بسیار زیاد میشه. فابریکه های وسایل تشناب نیس در افغانستان. دیگر به همو خاطر هر قدر تولید کنی [به فروش میرسه]. همی حالی ما این طور اوردر داریم که دو ماه آینده ما اوردر داریم و از بازار که به ما اوردر داده خو ما تا هنوز تهیه نتوانسته ایم، به خاطری که در نوبت منتظر هستند.

ک: اوردر از کجا می آیه بیشتر؟

NUHPrivate15082018: جمعا ما [نا مهفوم] کستمر داریم. یکی که است دکان های مارکیت است که دکاندارهایی است که سر خانه والا [فامیل ها] وسایل تشناب ره می فروشند [به گونه ی پرچون]. یکی هم خود مارکیت والا و شهرک ها است که کسی که زیاد بلاک ها و شهرک جور می کنند، خودشان مستقیم می آیند برای ما می گویند که ما دو ماه بعد یا سه ماه بعد [مثلا] یک هزار تشناب داریم در شهرک ما و ما به همین اندازه وسایل کار داریم. سوم کستمر ما که است دولت است. وزارتخانه ها است که می آیند نفر روان می کنند به خاطری رُشد تولیدات داخلی، می آیند از ما می خرند. و چهار کستمر ما که است موسسات خارجی است. آنها باز می بینند در مارکیت [...] ما اکثرا برایشان کتلاک [brochure or catalogue] خوده روان کرده ایم. آنها می بینند وقتی که کار داشته باشند یا خودشان می آیند یا همو قراردادی خوده می گویند که تولیدات وطنی را بگیر. باز وطنی ره اگر در بازار بروه، مجبور اس که از شرکت ما بخره به خاطری وطنی در این بخش دیگر فابریکه نداریم.

ک: نرخ فروشات به چه اساس است؟ یک واحد تشناب؟ و به چی اندازه؟

NUHPrivate15082018: بله ها. ما یک سیت مکمل برای یک تشناب داریم. همو ره در یک کارتن می اندازیم و یک سیت میشه. و نرخ ما به همین اساس است. باز یگان کس های که قبلا کار کرده اند و خانه هایشان به ترمیمات جزئی کار داره یگان پرزه کار میداشته باشند، نه یک سیت. باز ما این قسم هم می فروشیم.

ک: یک سیت تشناب ره چند می فروشید؟ به اساس افغانی می فروشید، دالر می فروشید؟

NUHPrivate15082018: به اساس افغانی می فروشیم. یک سیت تشناب ره 4450 افغانی می فروشیم.

ک: به شمول کمود و نل و همه...؟

NUHPrivate15082018: نی تنها شیر آلاتش ره [tab system].

ک: وقتی شرکت نو تأسیس شد سرمایه ی اولیه که شما آوردید در اینجا گذاشتید، این ره از: بانک؛ کمک مالی دولت، پول شخصی، اعضای جامعه پول جمع کردند؟

NUHPrivate15082018: سرمایه ی اولیه از یک شرکت ساختمانی آمده که به نام [نام شرکت] که در او شرکت هم مالکش خودم بودم باز همراه خارجی ها کار می کردیم. پروژه های ساختمانی بود. ساخت و ساز سرک و تعمیر و پُل و این چیزها بود. سرمایه ی صد فیصد ره از همو شرکت ساختمانی آمده.

ک: که او شرکت هنوز هم ادامه داره؟

NUHPrivate15082018: بله ها.

ک: از برکت او شرکت توانستید این شرکت ره ایجاد کنید؟

NUHPrivate15082018: بله ها. از برکت او شرکت یک فابریکه ی دیگر در پارک صنعتی جمعه محمد محمدی در همو کارته ی نو، که میز و چوکی پلاستیکی و حتا ماشین کالاشویی ره هم آنجای می سازیم.

ک: اسمبلی می کنید؟

NUHPrivate15082018: نی نی. می سازیم.

ک: کاملا میسازید؟

NUHPrivate15082018: از اول تا آخر. یک موتر و تایمرش ره از چین می آوریم دیگر کل چیزش ره همینجه می سازیم. از ثمره ی شرکت ساختمانی اول او شرکت بود و بعدا این شرکت را ایجاد کردیم. آهسته آهسته پیش میریم.

ک: شرکت اولی چند سال میشه فعال است؟

NUHPrivate15082018: 5 سال میشه که فعالیت داره. از 2013 به این طرف.

ک: آنجا تعداد کارگر به چی تعداد است؟

NUHPrivate15082018: آنجا تقریبا کل کار ره ماشینری می کنه. چیزهای پلاستیک است. تقریبا در حدود 20 نفر کارگر داریم. زیاد کار ره ماشین می کنه. در ماشین مواد خام ره می اندازیم، از دیگر طرف چوکی یا میز می بر آیه. بسیار کم نیروی بشری در اونجه ضرورت است.

ک: ارزش کلی دارایی های شرکت به چی قدر است؟ از ماشین آلات، تا مصرف بالای زمین و ساختمان و ذخیره ی مواد خام؟

NUHPrivate15082018: اینجه ما در شرکت 5 میلیون دالر سرمایه گذاری کرده ایم که شامل مواد خام و پخته و کل چیزها میشه. دیگه، تقریبا اضافه تر از 1 میلیون دالر ره ما سر کارگر مصرف کرده ایم. که همین کارگر ره ما ترین [train] کرده ایم. کارگر را ما هند روان کرده ایم، پاکستان روان کرده ایم. از اونجه ما استادها ره آورده ایم اینجه. زیادترین سرمایه گذاری ره ما سر کارگر کرده ایم که فعلا تقریبا حدود اضافه تر از 100 نفر ما سکیل لیبر [skilled labour] داریم اینجه.

ک: پس کارگرها نسبت به شرکت یک تعهدی دارند؟ آنها در اول قبل از تریننگ گفته بودند که ما این قدر مدت می مانیم و اگر حالی به یک شرکت دیگر بروند، این برای شما یک ریسک نیست این قدر بالایشان مصرف کرده اید؟

NUHPrivate15082018: قبل از این که مه تصمیم بگیرم که مه باید مردم ره اینجه کار نشان بتیم یا یک کارگر عادی ره ما سکیل لیبر بسازیم، ما این فکر ره کردیم که نشه که [...] ما کارگری داریم که اضافه تر از 10 هزار دالر بالایش مصرف کرده ایم که این کار ره یاد بگیره. ما این فکر ره کرده ایم که صبا از ما نروند. برای این ما دو راه حال ره پیشنهاد کردیم. یکی این بود که او کسی که حالی همراه ما سکیل لیبر اس معاش او نسبت به دیگرها [...] این طور یک معاشی برایش میتیم که در این مارکیت کسی این طور معاش برش نمیته.

ک: چند است معاش مثلا؟

NUHPrivate15082018: اینجه ما تقریبا از 6 هزار افغانی شروع است که همو روز اول که نفر می آیه برایش میتیم. که هیچ چیزی یاد نداشته باشه. تا 45 هزار افغانی هم ما برای کارگر سکیل لیبر معاش میتیم. همین 100 نفری که همراه ما کار میکنن، کمترین معاش اش 25 هزار و بیشترینش 45 هزار است. نسبت به همو مسولیتی که می گیره و نسبت به همو کاری که می کنه. دیگه اینجه در مارکیت ما می بینیم که اگر یک نفر از ما بروه، شاید به 25 هزار بسیار به مشکل برایش کار پیدا شوه.

دوم، اطمینان ما به این است که دیگر فابریکه ی وسایل تشناب در اینجه نیست. اگر از ما بروه دیگه جای یک کارگر عادی تبدیل خواهد شد. کارگر حرفوی حساب نخواهد شد.

با آن که همراهشان یک قرارداد امضا کرده ایم، غیر از او هم، هر قدر که تعهد کنی، کارگر اگر در یک جای دیگر برایشان کار پیشنهاد شوه او میره و زیاد ده قصه ی تعهد نمیباشه. دیگه، تا حالی در همی صد نفر که ما ترین کرده ایم یک 10 نفرش از ما رفته که از ده نفرش تقریبا 8 نفرش دلیل منطقی و چیز داشته اند، یگان تایش مشکل فامیلی داشته اند یا خارج رفته اند. همین طور مشکلات. دیگر، هیچ ما با این طور مشکل سر نخورده ایم که کارگر ره ما سرش مصرف کنیم و او به جای دیگر بروه.

ک: بیشترین فیصدی کارگرهایتان چند معاش می گیرند؟

NUHPrivate15082018: از 10 تا 15 هزار.

ک: کس های که 45 هزار می گیرند چند نفر هستند در مجموع؟

NUHPrivate15082018: در مجموع همین 100 نفر از 25 هزار تا 45 هزار است و تقریبا یک 50 نفرش 30 هزار می گیره. همین طور 29 و 30 و 31 و 32. دیگه یک 10 نفرش شاید از 40 هزار بالا می گیره و دیگر 10 تا 15 نفرش از 25 تا 30 هزار بگیره.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه صنعتی هم است؟

NUHPrivate15082018: بله ها. در اتحادیه ی صنعتی، در انجمن صنایع افغانستان و در اتاق های تجارت و صنایع هم است. عضویت داریم.

ک: این عضویت کمک مستقیم به شما رسانده در قسمت دسترسی به مواد خام، تاثیر مستقیم بالای حجم تولید و فروشات تان داشته باشه؟

NUHPrivate15082018: اتاق های تجارت و صنایع برای ما یک کاری بسیار کلان کرد که به ما مکتوب ها داد در وزارتخانه ها که همین تولید ما ره وزارتخانه ها ثبت کرد و فعلا دیگر تقریبا در 28 وزارتخانه همین جنس های ما اپرروف [approve] است. وقتی که اینها کار داشته باشند یا خودشان مستقیم مأمورین شان ره روان می کنند یا قراردادی ره می گیرند که لوازم تشناب وطنی ره استفاده کنه. هشت وزارتخانه نوشته کرده در قراردادهای خود که لوازم تشناب [نام شرکت] ره استفاده می کنی. و 18 وزارت دیگر نوشته کرده که "وطنی". باز وطنی که یک قراردادی میره، همین یک شرکت است. یا از بازار می خره یا میایه از فابریکه می خره.

ک: شرکت اولی چی، در او شرکت کارگر باید آموزش ببینه یا این که کارگرهای عادی هم می توانند در اونجه کار کنن؟

NUHPrivate15082018: اونجه یک نفری که سرپرست ماشین ها و چیزها است هنوز هم پاکستانی است. دیگه اوغان ها اس همرایش. اوغان ها هم آهسته آهسته تریننگ میشه در پهلویش و نیاز داره که ما مکمل پاکستانی ره جواب بتیم. دیگه اینجه در این شرکت اول 16 نفر پاکستانی بود شاید 6 نفر هندی داشتیم. فعلا 4 نفر پاکستانی داریم و دیگر کلا جای متباقی ره افغان ها گرفته. در ظرفِ دو سال. برای تقریبا 6 ماه اینها ره پاکستان روان کردیم در همو فابریکه های که همراهشان ما قرارداد داشتیم که اینها ره تریننگ بتن، کار نشان بتن. باز آنجا برای ما بسیار به قیمت زیاد تمام میشد. باز کارگرهای خوده اینجه آوردیم و از اونجه استاد آوردیم، همرایشان قرارداد کردیم، آنها آمدند. فعلا 4 نفر پاکستان داریم و در 250 نفر، 246 نفرش افغانی اس.

ک: قبل از کار صنعت چی کار می کردید که باز تصمیم گرفتید که در کار صنعت بیایید؟

NUHPrivate15082018: من از سال 2010 وقتی که ما از پوهنتون فارغ شدیم مه خودم انجنیر ساختمان هستم، شرکت ساختمانی تأسیس کردیم.

ک: در کابل؟

NUHPrivate15082018: بله ها در کابل. باز تا 2014 در کارهای ساختمانی مصروف بودیم آهسته آهسته باز بعد از 2014 پروژه های خارجی ها که کم شده رفت ما هم همراه دولت افغانستان تصمیم گرفتم که کار نمی کنیم. به خاطر این که بسیار مشکلات بود قراردادهای دولت افغانستان. دیگر آهسته آهسته به طرف تولید ما آمدیم و شرکت اولی ره تأسیس کردیم. او که یک ذره کارش خوب شد باز این شرکت را آهسته آهسته پیش می بریم.

ک: قبلا وقتی که محصل بودید برای فراغت چی کار می کردید و چی تغییراتی در این عادت ها آمده پس از وارد شدن در کار تولید؟

NUHPrivate15082018: معمولا در وقت بیکاری والیبال می کردیم، در وقت مکتب. در وقت پوهنتون هم تقریبا اکثریت وقت والیبال می کردیم. یگان وقت کریکت یا فوتبال و این چیزها می کردیم. خو زیادترین وقت والیبال. فعلا هم اکثر وقت دیگر اینجه والیبال می کنیم. تیم داریم. کارگرهای ما است، خود ما هستیم.

ک: یک بار ازدواج کرده اید یا دو بار؟

NUHPrivate15082018: دو بار.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

NUHPrivate15082018: بسیار علاقمند کتاب هستم. ما کتاب های روانشناسی ره می خوانم، دیگر تقریبا هر ماهی اگر یک کتاب ره نخوانم، هر دو ماه بعد یک کتاب ره حتمی می خوانم.

ک: به چی نوع موسیقی علاقمند هستید؟

NUHPrivate15082018: موسیقی وطنی و محلی. به رباب علاقمند هستم. دو کارمندم است که بسیار شوقی رباب هستند. شامکی بعضا رباب می زنند.

ک: در اجتماعی که زندگی می کنید، تصویر شما و مردم از موقعیت مالی تان؟

NUHPrivate15082018: خوب هستیم دیگه! [لبخند] در بینِ متوسط بگوییم شاید در طبقه ی متوسط.

ک: مردم؟

NUHPrivate15082018: آنها فکر می کنند که ما در طبقه ی بسیار بالایی زندگی می کنیم. دیگر شاید آنها تصورشان دیگه چیز باشه. خوب به نظر مه مه در قشر متوسط زندگی می کنم.

ک: تحصیلات تان؟

NUHPrivate15082018: لیسانس.

ک: اگر وقتش را داشته باشید؟

NUHPrivate15082018: معمولا در وقت رخصتی ها مه خارج میرم. وقتی که رخصتی های مه چهار روز، پنج روز یا یک هفته یا از او طولانی باشه. غیر از او روزهای جمعه همراه فامیل تفریح، قرغه و اینجاها میریم.

ک: سفر باز به کجاها میروید؟

NUHPrivate15082018: زیادترین به اروپا میرم. خودم سوتزرلند ره بسیار خوش دارم. اکثر وقت که اگر حد اقل یک هفته داشته باشم اروپا میرم. دیگه اگه از او زیادتر باشه امریکا یا کاندا میرم.

ک: ویزه برایتان مشکل ایجاد نمیشه؟

NUHPrivate15082018: نی، پاسپورت خارجی دارم. در او ویزه او قدر مشکل نیس.

ک: فعلا در کدام نقطه ی شهر؟

NUHPrivate15082018: در پیش میدان هوایی در شهرک آریا.

ک: قبلا هم همونجه بودید؟

NUHPrivate15082018: نی قبلا کارته ی چهار بودیم. که همونجه دفتر شرکت ساختمانی ما هم بود. باز وقتی که در سرک نو اینجه فابریکه تأسیس کردیم بسیار دور بود کارته ی چهار، باز نزدیکی های میدان هوایی آمدیم.

ک: اطفال مکتب خصوصی میرن یا دولتی؟

NUHPrivate15082018: خصوصی میرن.

ک: برای ایجاد شرکت کی ها برای کمک کردند؟ مالی یا معلوماتی؟

NUHPrivate15082018: بسیار که همراه مه همکاری کردند دوست های مه بودند. همو همصنفی های دوره ی مکتب و پوهنتون بودند که برای ما معلومات دادند. دیگر وقتی که کار ره شروع کردیم در سرمایه گذاری همراه ما سهیم شدند. وقتی که اول ما مجبور می بودیم ما یک سرمایه گذار میداشتیم که همراه ما در پروژه ها سرمایه گذاری می کرد. تا یک دو سال ما آن قدر پول نداشتیم که پروژه های خوده می گرفتم. پروژه ره می گرفتیم باز او ره سب-کنترکت [sub-contract] برای دوست ها و رفیق های خود می دادیم، کس های که پول می داشت. آنها باز پروژه ره خلاص می کردند. همو پیسه های او ره میدادیم، نفع خوده ازش می گرفتیم و همین طور یک کار روان بود. باز بعد از 2012 وضع اقتصادی ما خوب شد و باز وقتی که پروژه می گرفتیم خود ما عملا سرمایه گذاری هم می کردیم.

ک: برای ایجاد شرکت اولی کی ها برایتان کمک رساند؟

NUHPrivate15082018: سرمایه گذاری اش خو صد فیصد از همو شرکت ساختمانی تهیه کردیم. در غیر او در شرکت همراه ما تقریبا یک 30 نفر انجنیرها کار می کردند که در این یک 5 نفر ماستری داشتند که در اروپا و امریکا ماستری کرده بودند. باز وقتی که ما گفتیم که در پهلوی شرکت باید یک سرمایه گذاری دیگر بکنیم، ما مزیت شرکت و پروژه ها ره می دیدیم که وضعیت خارجی ها ره می دیدیم که اینجه سرمایه گذاری ره آهسته آهسته تلاش دارند که از طریق دولت افغانستان پیش ببرند. ما برای شرکت ساختمانی یک بدیل ره می خواستم. باز مشوره دوست ها و همکارها این شد که باید یک فابریکه باید داشته باشیم. به خاطرِ آینده ی افغانستان هم خوب است و برای یک چند نفر اینجه کار و شغل دایمی هم پیدا میشه.

ک: اینها از دوست های نزدیک تان بودند؟

NUHPrivate15082018: همکارها بودند دیگه. تقریبا چهار سال یا پنج سال یکجا با هم کار کرده بودیم.

ک: از برکت شرکت شما صاحب چند خانه شده اید، چند موتر دارید، در وضع زندگی عادی تان کدام تغییری آمده؟

NUHPrivate15082018: مه یک موتر شخصی دارم که خودم می گردانم. دیگر یگان 20 تا شاید باشه که در شرکت می گرده.

ک: منظورم از زندگی عادی تان بود؟ مثلا سابق یک کورولا داشتید حالی یک موتر خوبتر دارید، این قبیل معلومات.

NUHPrivate15082018: بله ها. سابق، اول خو هیچ چیز نداشتیم. کورولا هم نداشتیم. فعلا همو یک موتر دارم که مه خودم می گردانم. راننده ندارم و خوش هم ندارم داشته باشم.

ک: خانه چی؟

NUHPrivate15082018: بله ها یک خانه در کارته ی نو جور کرده ایم که در او پدر و مادرم و فامیل زندگی می کنند. یک خانه هم مه [...] مجموعا یک 5 خانه بگیر دیگه!

ک: حج هم رفته اید؟

NUHPrivate15082018: یک بار رفته ام. همراه مادرم.

ک: تصویری از دوست هایتان بدهید؟

NUHPrivate15082018: سه چهار نفرش که بیخی از همو وقت مکتب هم صنفی بود یا هم قریه بود. یک تعداد دیگر از پوهنتون با ما دوست شده و یک تعداد دیگرش از طریق شرکت و اینها آشنا شده اند. دیگر، اکثریتش کارهای شخصی دارند یا همکارهای ما هستند. یک کس هایی هستند که همراه ما کار می کنند. یک چند دوستم است که او از خود شرکت و فابریکه و این چیزها داره، روزهای جمعه یکجای میشیم.

ک: شرکت های تولیدی دارند آنها هم؟

NUHPrivate15082018: نی بیشتر در شرکت های ساختمانی. چون قبلا ما هم در همو بخش مصروف بودیم و همراه یکدیگر همکاری می کردیم، دوست های ما بود یا هم صنفی های ما بود.

ک: مسایل امنیتی؟ کدام سال، به گونه ی مستقیم بالای تولیدات تان؟

NUHPrivate15082018: طبیعی است که تأثیر می گذاره ولی مستقیم شاهد کدام چیزی نبوده ایم. یک دفعه یک واقعه شده بود که در موتر مه یک ماین چسپکی ره گذاشته بودند دیگه باز خوشبختانه باز پیش از این که مه آمدم مشکل حل شده بود. وقتی شرکت داشتیم همراه سه، چهار شرکت دیگر مشکل پیش آمد. یکی از این شرکت ها زور دار مردم بودند، برای مه چند دفعه اخطار داده که شما از این پروژه بگذرید. بانین این پروژه ره. اگر ما این پروژه ره می ماندیم باز به او شرکت میرفت. باز ما هم گفتیم که نی. باز اینها تعقیب کرده بودن، یک جای میتینگ [meeting] داشتیم همراه خارجی ها، موتر ره پارک کرده بودم. باز آمده بودند ماینِ چسپکی مانده بودند در همو زیر سیتی که مه می شیشتم. باز پیش از این که مه بیایم او ره چون در همو شش درک، جایی که میتینگ بود، موترهای امریکایی ها زیاد تیر و بیر میشن، باز اینها کدام آله داره یا چیزی دارند، در همو پهلوی سرک پارکنگ بود، باز مه اصلا خبر نبودم و وقتی که از میتنگ برآمدم، دیدم که عسکرهای امریکایی اینسو و او سو می گشتند. که مه آمدم موترم ره باز کنم امریکایی عسکرش آمد مه ره پرسان کرد که صاحب موتر استی گفتم ها و بالآخره همه چیزها ره برش گفتم. برای مه گفت که در موترت ماین بود. مه گفتم که "بود دیگه، مه خود خو نمانده بودم! در موتر خود کسی ماین نمی مانه!". باز که پرسان کردند مه همه جریانه ره برایشان گفتم. دیگه همین یک واقعه بود.

ک: کدام سال بود این؟

NUHPrivate15082018: سال 2012. باز شماره مه ره گرفتند و همه مکالمات مه و او نفر ره شنیدند که مه چی گفتیم و او چی گفته. باز نمی فهمم او شرکت ره چی کردند، همو کسی که مسولش بود او ره گرفتند و یک چند دفعه مه ره هم خواستند در محکمه و این چیزهایش که تو همراه این کدام مشکلی داری یا نداری. خوب چیزی جریانی که بود برایشان گفتم و باز او نفر ره بندی کردند باز خبر ندارم که چی شد همرایش.

دیگه غیر از او دیگه کدام مشکلی پیش نیامده.

ک: بیشتر منظورم در قسمت کارهای روزمره ی شرکت، مثل دسترسی به مواد خام و این چیزها...!

NUHPrivate15082018: این رقم خو زیاد میشه. همی فعلا دو کانتینر ما آمده در غزنی. در همو غزنی سه، چهار روز میشه که جنگ اس و طالب ها و دولت جنگ دارن. کانتینرهای ما آمده همونجه بند اس. این طرف آمده نمیتانه. این طور حادثه ها ره خو تقریبا اگر هر یک ماه نشوه، هر دو ماه بعد این طور یک حادثه میشه. یک وقت در کراچی مال های ما چی شده بود که بالای تولید ما هم بسیار تأثیر کرد. وقتی که مال ما یک جای بند میباشه، کار ما هم بند می مانه. اکثر پرزه ها ره چون ما از خارج می آوریم، باز او اینجه تولید ما ره متضرر می کنه. دیگر اکثر وقت این طور [...] یک دفعه ده هلمند تقریبا 10 کانتینر ما مکمل در جنگ طالب ها گیر آمد، او وقت شرکت ساختمانی بود به امریکایی های ده کمپ شواربک میگن برایش کانتینر می بردیم. باز او ره خو طالب ها در جنگ گیر آمد و راکت زدند کلش ره سوختاندند. این طور مسایل زیاد میشه. خو خوشبختانه مسایل جانی زیاد نشده.

ک: این گونه حوادث باز باعث این انگیزه شده که شما تصمیم بگیرید در یک کشور دیگر سرمایه گذاری کنید؟

NUHPrivate15082018: هیچگاه نی! ما اگر چه یک پروگرام اس اس.آی.وی میگنش، سپیشل امگرنت ویزه، این برای کس های که همراه امریکایی ها بیشتر از یک سال کار کرده اند برایشان بسیار خوب یک فرصت بود که امریکا بروند. دیگه مه هم برای او اپلای کردم و وقتی که ویزه ی مه منظور شد، باز مه تصمیم به این گرفتم که نی، مه در همین خاک تولید شدیم، در همینجه کلان شدیم، به همین خاک خدمت می کنم. دیگه باز تصمیم گرفتم که نمیرم. همو کونسلر [counsellor]، کسی که مسول ویزه ی مه بود همو روز مه ره خواست که پاسپورتت ره بیار که ویزه برایت چی کنیم. مه رفتم پاسپورت ره هم بردم اما گفتم نمیرم. مه ره پرسان کنم که چرا؟ گفتم مه می خواهم که همی وطن خوده آباد کنم. تصمیم گرفتم که همینجه بانم. ملک خود ما است همین ره خراب کرده ایم باید جور کنیم. هر کس که از اینجه سرمایه پیدا می کنه و میره، خو ملک باز همین طور سر بخود آباد نمیشه. دیگر هیچ فکرش ره هم کرده نمیتانم که خارج از افغانستان زندگی کنم.

ک: ساختار تصمیم گیری در شرکت؟

NUHPrivate15082018: تصمیم ها ره تیم می گیره. خوشبختانه شرکت ساختمانی ما بسیار یک تیم خوبی به ما به میراث ماند که همو تقریبا پنج نفری تیم هستیم که وقتی که مسایل کلان می آیه یا تصمیم کلانی می آیه یا کدام مشکل کلان می آیه همو پنج نفر بین هم می نشنییم و هر کس نظر خوده میگه و به همین گونه.

ک: تصمیم نهایی پس به دست یک نفر نیست و همه ی این پنج نفر سهیم استند در او؟

NUHPrivate15082018: بله.

ک: این پنج نفر باز شریک هم هستند در شرکت یا فقط مشوره می دهند؟

NUHPrivate15082018: نی همکارها هستند.

ک: به کارگرها برعولاوه معاش؟

NUHPrivate15082018: سه وقت نان، جای خواب و اتاق و این چیزها برایشان میتیم.

ک: به تمامی این 250 نفر؟

NUHPrivate15082018: بله ها. ترانسپورتشان اس.

ک: ولایات هم که میرن؟

NUHPrivate15082018: بله ها.

ک: بیشتر از کدام ولایات می آیند؟

NUHPrivate15082018: تقریبا اگر بگویم از 34 ولایت اس شاید مبالغه باشه. اما اضافه تر از 20 ولایت ره خو مه به نام می شناسم که این از او ولایت اس و او از او ولایت.

ک: بیشترشان از کدام ولایت هستند؟

NUHPrivate15082018: بیشترشان از تخار هستند، از برادرهای ازبک ما هستند. در قدم دوم برادرهای هزاره می آیند باز دیگر در قدم سوم پشتون است.

ک: بیمه و این چیزها؟

NUHPrivate15082018: بیمه نی.

ک: در کدام اتحادیه ی کارگری عضویت دارند؟

NUHPrivate15082018: نی نی.

ک: کس های که در تصمیم گیری سهیم هستند همه از افغانستان هستند؟

NUHPrivate15082018: یک نفر از پاکستان اس، چهار نفرش از افغانستان. یک نفر هم که از پاکستان که اس او در وقتی که مه محصل بودم استاد ما بود. همینجه در کابل در یک انستیتوت استاد بود باز در همو کورسی که مه ثبت نام کردم استاد ما بود و باز در شرکت هم کتی ما آمد و باز تقریبا از سال 2010 همراه ما همکار هستند و آنها ماستری دارند در بخش اقتصاد. اداره و منجمن.

ک: در قسمت خدمات دولتی، کدام نهاد دولتی است که همراه آنها در ارتباط باشید؟ کدام نهاد دولتی که برای شما کمک کند که در قسمت ارایه معلومات یا این که در اول که می خواستید شرکت تأسیس کنید آمده باشند به شما گفته باشن که در این بخش در افغانستان مارکیت است یا نیست؟

NUHPrivate15082018: نی. اگر چه این مسولیت دولت است اما این سروی و چیزها ره ما کلش ره به مصارف شخصی خود ما کردیم که ما باید در افغانستان چی جور کنیم که فردا خدای ناخواسته به ما تاوان نکنه. این ره ما دو اصل عمده ره ما در نظر می گیریم. دو اصل ره ما مدنظر گرفتیم: اول این که مواد خامش باید در داخل افغانستان پیدا شوه. دوم این که چیزی که ما جور میکنیم باید حجمش زیاد باشه، به خاطری که کرایه ی انتقال و این چیزها اگر از خارج یک تاجر می آوره، سر او کرایه زیاد بیایه. وقتی که ما همو ره اینجه تولید می کنیم همو کرایه برای ما به نفع اضافه شوه.

ک: خدمات عام المنفعه، کدام نهادی است که شما منظم و متواتر برایش کمک برسانید؟

NUHPrivate15082018: خود ما یک مکتب داریم در ولایت لوگر در همو قریه ای که ما خود ما زندگی کرده ایم و مکتب خوانده ایم. برای یتیم ها ما یک مکتب جور کرده ایم که اونجه عملا 500 شاگرد داریم. کل البسه اش ره کتابش ره ترانسپورتش ره، کل مصارفش ره از همی فابریکه و شرکت میدهیم.

ک: آنها هیچ فیس نمی دهند؟

NUHPrivate15082018: نی نی. یک افغانی هم فیس نمی دهند. کل مصارفش ره شرکت میته.

ک: چقدر میشه مصارف این مکتب در یک ماه؟

NUHPrivate15082018: از ماه حمل تا به ماه ... از ماه مارچ تا نوامبر ره این مکتب فعال می باشه چون سه ماه اینجه ما رخصت میباشیم [the interviewee thinks the researcher is unaware of the school season in Afghanistan] ماهی در حدود ده لک افغانی مصرفش می ایه و در زمستان کورس ها و چیزها داریم که ماهی در حدود یک 5 لک افغانی مصرفشان می آیه.

ک: این ره کلش ره شما می دهید؟

NUHPrivate15082018: بله ها. این ره تقریبا از سال 2013 مکتب ره شروع کرده بودیم و فعلا امسال ما از صنف 12 ما فارغین هم داشتیم که 15 نفر فارغ داشتیم. از 15 نفر، 12 نفرش ده پوهنزی های طب و انجنیری و اقتصاد و حقوق کامیاب شده اند، سه نفرش در دارالمعلمین. دیگر در سطح لوگر بلندترین نمره ره شاگردهای مکتب ما گرفته اند. به نام مکتب خصوصی [نام مکتب].

ک: در این مدتی که فعال بوده اید زمانی رسیده که تصمیم گرفته باشید که شرکت تولیدی را بسته کنید؟

NUHPrivate15082018: تقریبا. یک دو بار، یک وقتی دولت برای این طور شد که بسیار مشکل خلق می کرد. وقتی که ما مواد خام خوده می آوردیم از چین یا از پاکستان یا ایران. بسیار ما ره جور داد ده گمرکات که فعلا هم یک تیلر خاک ما آمده از ایران. همی حالی هم در مشکلات همو بند هستیم که یک و نیم ماه میشه که پشت او می گردیم که ما دولت ره به این قانع بسازیم که این خاک اس و ده تیلر بار اس که برای کمود و دست شویی [...] پلان ما این اس که در سال 2019 ما کمود و دست شویی ره هم تولید می خواهیم بکنیم. او از گل جور میشه، کلالی اس. به خاطر او ما خاک کار داریم. این خاک ره که می آوریم دولت برای ما میگه که این افغانستان از خاک پُر اس تو خاک ره از ایران می آوری. اما برای ما نمیگن که این نوع خاک در کجای افغانستان پیدا میشه. باز همو خاک ره ما ده پاکستان خریدیم تُنی 1500 کلدار که او ره باز انتقال و چیزهایش، تُنی 5000 مصرف انتقالش شده. اینجه وقتی که در گمرک آمدیم در سال 2012 زمانی که رییس جمهور کرزی بود فرمان صادر کرد که تا سال 2022 وقتی کسی که تولید می کنه از افغانستان، به مواد خام آنها نباید یک فیصد هم تکس بدهند به دولت. به همو اساس ما دعوا کردیم با دولت که ما مواد خام است برای فابریکه و ما نباید برای این تکس [تعرفه] بتیم. باز دولت گفت که نی و قناعت نکردند. باز همو یک تُن خاک ره برای ما 1500 کلدار حساب کردند، 12% تکس گرفتند. در حالی که 1500 کلدار قیمت همو خاک بود و ما انوایس [invoice] هم داشتیم و همه اسناد. ده گمرک ها ما ره متهم کردند که شما این ره از پیش خود جور کرده اید. این ره ما خود ما قیمت گذاری می کنیم. که فعلا هم یک تیلر خاکی که ده هرات اس، ما روزانه 10 هزار افغانی جریمه برای او موتروالا میتیم به خاطر بند افتیدن مواد ما. همین طور قرارداد کرده بودیم. کمپنی ترانسپورت همین رقم قرارداد کرده بود که اگر موتر ما از دست شما در جایی متوقف میشه روزانه 10 هزار افغانی شما برای ما میتین. امروز تقریبا یک و نیم ماهش پوره میشه که روزی ده ده هزار جریمه میتیم به کمپنی و از گمرک هرات خاک ما نیامده.

ک: این فرمان ره رییس جمهورکرزی در 2012 داده؟ کتبی است؟

NUHPrivate15082018: بله ها. کل فابریکه ها اگر مواد خام برای تولید کار داشته باشند در این قانون می آیند. اما وقتی که به مأمور گمرک ها میرسه، بهانه می گیرند. مأمور گمرک میگه که صحیح است که این مواد خام اس اما در افغانستان پیدا میشه. وقتی که برش بگویی که اینجه کجا پیدا میشه، وقتی که رنگشه می بینه که سفید اس میگه "ای ده اونو ولسوالی پیدا میشه".

اینجه ما همراه وزارت معادن تماس گرفتیم که این خاک اس و نمونه اش ره برایشان دادیم که برای ما تست کنید و بگویید که اگر در اینجه پیدا میشه یا نی. وزارت معدن تست کرد و گفت که 15 فیصد این خاک ره ما شناختیم و 85 فیصدش ره ما وسایل و لابراتوار نداریم که برایتان بگوییم که این چی اس.

ک: بازاریابی و فروشات بیشتر در کجا صورت می گیره؟

NUHPrivate15082018: بیشتر تقریبا 45 تا 50 فیصد فروشات ما در کابل اس. قندهار، هرات، مزار و جلال آباد در قدم دوم. همین پنج شهر است.

ک: آخرین برای که بالای این شرکت هایتان پول مصرف کردید به خاطر توسعه یشان کدام سال بود؟

NUHPrivate15082018: شرکت اول ره در سال 2013 تأسیس کردیم و تا 2015 ما سرمایه گذاری کردیم. فعلا هم یگان سرمایه گذاری های خُرد و کوچک می کنیم. یگان قالب ها و این چیزها که کار میشه. خو او ده سرمایه گذاری اصل نمی آیه. سرمایه گذاری آنها در سال 2016 تکمیل شده. حالی دیگه یگان، از فایده اش می گیریم و یگان سرمایه گذاری های خُرد و کوچک بالایش می کنیم.

در این شرکت خو تا همین سه ماه پیش هم ما سرمایه گذاری داشتیم که ماشینری و این چیزهایش هنوز هم تکمیل نشده بود. فعلا یک بخش نو شروع کرده ایم کمود و دست شوی و این چیزها اس که قالب هایش هم جور شده و ماشینری اش هم چیزی در چین اس و یک چند قلم در ایران اس، یک چیزی در پاکستان. آنها هم تا سه، چهار ماه می آیه. تا سال 2019 که شاید تا او سال تولید کمود و دست شوی هم شروع شوه.

ک: بیشترین تعداد کارگر در کدام سال؟

NUHPrivate15082018: در بخش تولیدی بیشترین کارگر ره همین حالی داریم.

ک: ترکیب زن و مرد؟

NUHPrivate15082018: همه یشان مرد هستند.

ک: مواد خام داخلی؟

NUHPrivate15082018: بله ها. تقریبا 90 مواد خام که در شرکت دومی استفاده میشه از افغانستان اس. ما همین کبال برنجی [برنج استفاده شده و دست دو] همین ره روزانه در مارکیت افغانستان 50 تُن برنج پیدا میشه که ما ظرفیت ما یک تُن برنز اس در یک شبانه روز. ما یک تُن برنز ره استفاده می کنیم ده مارکیت 50 تُن پیدا میشه. که 49 تُن یا اضافه تر از او پاکستان میره یا حتا تا چین ره هم میره.

ک: این پس سکرپ [scrape] اس؟

NUHPrivate15082018: بله ها. زیادترین چیزهای برنز که اس پوچک مرمی اس. اینجه خو بدبختانه جنگ اس در کشور ما. روزانه به دها تُن همی پوچک مرمی ها اس که او بسیار برنز اعلی اس. به غیر این اکثر پرزه جات تانک ها و چیزها هم برنز اس که کبالی ها [واژه ی پاکستانی به معنی فروشنده ی فلزات دست دو] سر ما می فروشند.

ک: پیشتر گفتید که بعضی پرزه جات دیگری که در اینجه تولید میشه که برای تولید شما ضرورت اس، مثل واشر و اینها، این طور کدام شرکت دیگری اس که آمده باشه و گفته باشه که مواد نیمه پخته به شما بخواهه تولید کنه؟

NUHPrivate15082018: متاسفانه که نیس. همو مواد نیمه خام یا چیزهایی که ما خود ما تولید نمی کنیم او ره ما از چین می خریم.

ک: ماشین آلات تنها به درد همین تولید می خوره؟

NUHPrivate15082018: غیر از شیر آلات دیگر هیچ چیزی تولید نمیتانیم.

ک: قابل انتقال اس؟

NUHPrivate15082018: بله ها. در این شرکت ماشین الاتی که استفاده می کنیم بسیار خُرد و کوچک اس. اکثرش نیروی انسانی اس دیگه. در شرکت دیگر ماشین هایش باز بسیار کلان اس و او هم قابل انتقال اس. ولی اونجه در بخش پلاستیک ما هر چیز ره ساخته میتانیم. یک ماشین ما اس که تقریبا 1500 تُن می آیه که به حساب ماشینری انجکشن که در افغانستان از او قسم ماشین دیگر نیست.

ک: قابل فروش هم اس این ماشین ها؟

NUHPrivate15082018: نی. اگر پس بفروشیم به قیمت کبال [فلز دست دو] میره دیگه. آهنش دیگر کیلویی 30 افغانی اس. به کیلوی 30 افغانی فروخته میشه که ما تنها همو یک ماشینش ره 250 هزار دالر خریده ایم.

ک: از شرکت اولی ره؟

NUHPrivate15082018: بله ها.

ک: رقیب های خارجی؟

NUHPrivate15082018: اکثرا واردات ما که اس از چین و از ایران اس. رقیب های ما کمپنی های چینی اس یا پاکستانی یا ایرانی.

ک: مشکلی داشته اید در این زمینه؟ که قیمت ره آنها کم کرده باشند یا زیاد کرده باشند تا به شما صدمه بزنند؟

NUHPrivate15082018: خوشبختانه آنها این کار ره کرده نمیتانن. همین برونز ره که ما می خریدم یک کیلویش ره 250 افغانی می خریم. همین برونز میره پاکستان. باز همونجه همی فابریکه های پاکستانی 330 افغانی همی برونز ره می خرند. ما که برایتان گفتم که روزانه اینجه 50 تُن برونز پیدا میشه. یک تُن اش را می خریم متباقی پاکستان میره. همین مصرف انتقال و این چیزها، قیمت تولید ره بالا می بره برای پاکستانی ها.

ک: فروشات تان بیشتر به نقد اس یا به اوگرایی؟

NUHPrivate15082018: تقریبا فعلا خو به نقد اس. در اول ها ما به اوگرایی میدادیم. هر دکاندار یک لک، دو لک افغانی قرضدار میشه. باز او قرض ره همرایش به صفت اوگرایی می مانه. دیگه بعد از او که دیگه مال و چیزها می خره نقد می خره. اینجه یک فرهنگ بسیار خرابی که ما داریم، فابریکه ها تا که سرمایه ی زیاد سرمایه گذاری نکنند در بازار [...] ما تقریبا در این 5 میلیون دالر که مه میگم در شرکت دومی سرمایه گذاری کرده ایم نیم میلیون دالرش در بازار اس. قرض اس.

در این مارکیت افغانستان این طور اس، خصوصا در این قسمت تولیدات ما، که هر کسی که جنس وارد می کنه او دکاندارها ره قرض میته. باز دکاندراها که جنس او ره می فروشند باز پیسه برایش میته. باز ما به خاطر این مشکل تمامی دکاندارها ره یک لک دو لک افغانی قرضدار کرده ایم باز بعد از او برایش گفتیم که او قرض پیشت باشه دیگه به نقد از پیش ما جنس بگیر.

ک: خریدارهایتان دایمی اس؟

NUHPrivate15082018: نی. در افغانستان حساب تقریبی که ما کردیم اضافه تر از 2 هزار دکان اس ده افغانستان در بخش شیر الات که خرید و فروشش ره می کنند. در همو کتابچه راجستر ما تقریبا به 1400 دکان رسیده که ما همرایشان معامله داریم و جنس سرشان می فروشیم، یا نقد یا قرض. مقصد اضافه تر از 1400 دکان اس که فعلا همو جنس های ما ره می فروشند.

ک: باز این نفرها ره چی رقم شناختید، زنگ می زنید، آنها زنگ می زنند، سفارش میتن، چی رقم؟

NUHPrivate15082018: نی، ما به خاطر فروش موترها داریم همراه دریور و یک نفر سیلزمین [salesman] که هر نفرش از خود جای تعیین است. یک نفر ره خیرخانه روان می کنیم، یکی ره شهر نو یکی ره کلوله پشته، یکی ره کوته سنگی یکی ره دهمزنگ و به همین ترتیب، هر کس از خود ساحه داره. همونجه میره و دکاندارها را جنس هایشه میته.

ک: خریدار نو ره هم از همین طریق پیدا میکنید؟

NUHPrivate15082018: اینجه خو ما در هر ولایت نمایندگی داریم، ولایت های کلان. نماینده ی هر ولایت در همو ولایت می گرده بین دکاندارها. اما در کابل چون مارکیت کلان اس یک نفر نمیتانه رسیدگی. باز هر بخش و سمت یک نفر کتی موتر میره و هر نفر ده حدود 50 دکان زیر ساحه ی فروشش اس. از او بیشتر ره نمیتانه. اگر امروز نتوانست به فردایش میره به همو 50 دکان سر میزنه.

ک: خریدارهای نو؟

NUHPrivate15082018: همین نماینده های ما میره ازیشان پرسان می کنه که می خواهند چیزی بخرند یا نی.

ک: در قسمت نوآوری هم سیاست دارید؟

NUHPrivate15082018: یک چیزی که مه برایتان گفتم چیزهای انویویشن که اس مربوط دیزاین میشه که متأسفانه ما خو دیزاین نمیکنیم چون مصارف بسیار بالایی کار داره. در همین منطقه هم دیزاین نمیشه. ما وقتی که در مارکیت چیزی ره ببینیم همو خوش ما بیایه همو ره میاریم میتیم که قالب کو به کارگرها. و بعضی کس ها مثلا میگن در این تولید این بخش یا این چوری را اضافه کن. که اکثر اینها نلدوان ها میباشند. باز ما این ره با نلدوان ها داریم اینجه، چک میکنیم که اگر آنها اپرروف کردند که منطقی اس باز همو تغییر ره می آوریم. یا یک مشتری می آیه که میگه که برای ما این رقم تولید کار اس. یا یگان کس می آیه که دیزاین ره این رقم چیز کنید، باز ما می بینیم که اگر برای فابریکه مفید بود تغییر میتیم.

ک: شما چند ساعت؟

NUHPrivate15082018: تقریبا 12 ساعت خو می باشم.

ک: کارگرها؟

NUHPrivate15082018: دو شفت داریم. شفت روز از 7 تا 5 شام. که ده ساعت میشه.

ک: از برکت شرکت تولیدی توانسته اید در بخش غیر تولیدی سرمایه گذاری کنید؟

NUHPrivate15082018: نی.

ک: انگیزه ی اولی تان چی بود برای آمدن در بخش تولید؟

NUHPrivate15082018: مسلک ما انجنیری بود و همو وقتی که ما انجنیری ره خواندیم به همی انگیزه خواندیم. یکی خو در مکتب در مضامین ساینسی و ریاضی و فزیک و این چیزها ذهنم بسیار خوب کار می کرد باز وقتی که مه داخل پوهنتون میشدیم و مه رشته انتخاب می کردم، او وقت 2006 بود. او وقت همی مارکیت انجنیری بسیار کش داشت. هر کسی که انجنیر بود یک معاش یا زندگی خوبی میداشت. همی باعث شد که مه انجنیری ره انتخاب کردم. و بعد از اینکه از اینجه فارغ شدم همین ره چیز کردم. در دیگر بخش ها نی معلومات داشتم و نی چیزی دیگری.

ک: انگیزه ای این که خواستید در بخش تولید باز سرمایه گذاری کنید چی بود؟ چرا مثلا در بخش پلاستیک، یا چرا نخواستید پول ره به جای دیگری انتقال بدهید؟

NUHPrivate15082018: وقتی که بسیار خُرد بودم، شش ساله، هفت ساله، از همو وقت همین طور یک فکر در کله ام میگشت که مه باید یک چیزی داشته باشم. به خاطر این فابریکه و این چیزها سرمایه زیاد کار بود وقتی که از پوهنتون هم فارغ شدم باز هم بسیار علاقمندی طبیعی که مه داشتم به تولید داشتم. همو وقت همو اسانترین راه همین بود که شرکت ساختمانی جور می کردم. اما همین طور یک پروگرام در ذهنم بود که از اینجه پیسه پیدا کو و بعد بخش تولیدی و فابریکه و چیزها ره میتانی تأسیس کنی.

ک: در خُردی کدام تجربه ای باعث شده بود که شوق پیدا کنید به تولید؟

NUHPrivate15082018: نی، همین طور یک شوق پیدا شده بود. شوق تولید و یک فابریکه ره داشتیم، از بسیار خُردی. بیخی این طور یک چیزی بود که تو گویی مه یک خواب [رویا] میدیدیم که حالی همو رویا به حقیقت تبدیل شده. و وقتی که مه فارغ شدم در 2010 شرکت ساختمانی اول جور کردم چون برای او سرمایه کار نبود. او وقت ها طوری بود که پروژه می گرفتی از خارجی ها و هر کس می آمد همرای تو کار می کرد. این طور شد که باز مه تنها کار می کردم در شرکت ساختمانی و وقتی که پروژه گرفتم دیگه، این طور مردم بود که، دوست ها و اینها، که سرمایه داشتند و برایشان گفتم که این طور یک پروژه اس ولی مه برایش سرمایه ندارم. آنها سرمایه گذاری کردند. 50 فیصد مه درش شریک بودم و 50 فیصد آنها. پروژه و کارش ره مه پیش میبردم، سرمایه گذاری اش ره آنها. آهسته آهسته کارمند گرفتیم و چیز گرفتیم و پیش رفتیم.

ک: تشکر!